

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۸ سپتمبر ۲۰۱۹

«صور باهر» ادامه جنایات صهیونیسم

دولت اشغالگر و تجاوزگر اسرائیل، علی‌رغم اعتراض و مقاومت فلسطینی‌ها، در نزدیکی ایستگاه امنیتی – نظامی در حومه بیت‌المقدس در دهکده «صور باهر» Sur Baher با این بهانه که این ساختمان‌ها نزدیک به دیوار «ایمنی» و تهدید امنیتی به‌شمار می‌آیند، به زور آنها را آوار کرد و ساکنان آن را آواره و بی‌سرپناه ساخت. قریب به ۵۰ بولدوزر و چند صد سرباز وحشیانه مردم مستأصل را که نمی‌دانند به کجا باید پناه آورند، چون قدرت پرداخت اجاره مسکن را ندارند، آواره ساختند و حتی تعدادی را مضروب و دستگیر کردند. «صور باهر» جزء مناطقی است که از جنگ شش روزه اعراب با اسرائیل به این سو تحت اشغال رژیم صهیونیستی اسرائیل قرار دارد. ایستگاه نظامی مذکور بخشی از دیوار امنیتی است که حکومت اسرائیل در سال ۲۰۰۲ میلادی به طول ۷۱۰ کیلومتر ساخت، که ۸۵ درصد از عمق کرانه باختری رود اردن و ۱۰ درصد آن از بیت‌المقدس شرقی می‌گذرد.

بیم آن می‌رود که دولت اشغالگر اسرائیل دیگر مناطق مسکونی را که در امتداد ایستگاه‌های نظامی واقع شده‌اند، نیز ویران سازد. طبق اظهارات «گیلاد اردان»، وزیر امنیت اسرائیل دیوان عالی اسرائیل ماه جون گذشته با صدور رأی اعلام کرده است که «از آنجا که منازل مسکونی "صور باهر" علی‌رغم ممنوعیت ساخت، غیرقانونی بنا شده‌اند و تهدید جدی برای امنیت اسرائیل محسوب می‌شوند، می‌باید ویران شوند». این ادعا در حالی بود که آقای «آرو ری»، عضو سازمان حقوق بشر «بتسلیم»، که در صحنه حضور داشت، اظهار داشت که ساکنین این منازل از تشکیلات خودگردان فلسطین جواز ساختمان دریافت کرده بودند. از این گذشته نهاد اداری مربوطه اسرائیلی به هیچ‌وجه به فلسطینی‌ها مجوز ساختمان نمی‌دهد. این واقعیات پرده از دورویی تزویر و دروغ‌گویی نظام صهیونیستی برمی‌دارد. دیوان عالی اسرائیل ماه جون با صدور رأی اعلام کرده بود که "منازل مسکونی این روستا به رغم ممنوعیت ساخت و ساز در منطقه بنا شده‌اند". این ریاکاری نظام صهیونیستی نشان می‌دهد که قوه قضائیه نژادپرستانه اسرائیل دست دراز شده قوه مجریه است و قانون را بر اساس منافع صهیونیستها تفسیر و تعیین می‌کند.

برتولد برشت شاعر کمونیست المانی در شعرش به نام "قطعنامه" می‌نویسد:

"نظر به این که

ما ضعیفیم

برای بندگی ما

قانون ساختید.

نظر به این که دیگر
نمی‌خواهیم بنده باشیم
قانون شما در آینده باطل است.

...

نظر به این که
خانه‌های بسیار
در هر کجا به پاست
ولی ما
بامی بر سر نداریم
تصمیم ما بر اینست
که در این خانه‌ها بخوابیم
زیرا که دیگر
زاغه‌ها مان خوش نمی‌آید.

"...

تخریب منازل مسکونی اخیر فلسطینی‌ها توسط دولت اسرائیل پی‌آمد به رسمیت شناختن بیت‌المقدس به مثابه پایتخت اسرائیل از جانب ایالات متحده آمریکا و چند کشور دیگر است، که در راستای آواره‌سازی هر چه بیشتر تاکتونی فلسطینی‌ها انجام می‌گیرد. آنچه امروز در «صور باهر» اتفاق افتاد، فردا در سایر نقاط بیت‌المقدس تکرار خواهد شد. ۳۰۰ هزار فلسطینی، که در اورشلیم زندگی می‌کنند، هر آن ممکن است که به چنین سرنوشتی دچار شده و آواره شوند، امری که آشکارا جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود و «جامعه جهانی» بيشرمانه آن را به سکوت برگزار می‌کند. ما به صهیونیستها و عمال ایرانی آنها می‌گوئیم خانه‌های فلسطینی را ویران کنید و بر ویرانه آنها خانه‌های نوی بسازید ولی فراموش نکنید که این خانه‌ها باید بر اساس سلیقه فلسطینی‌ها ساخته شوند زیرا که سرانجام با تاراندن صهیونیسم از خاورمیانه مردم فلسطین در این خانه‌ها سکنی خواهند گزید.

این تخریب‌ها در انطباق کامل و تکمیل‌کننده سیاست اسرائیل به شمار می‌آید، سیاستی که در جنگ ۱۹۶۷ کرانه باختری رود اردن و شرق بیت‌المقدس را به مثابه «بخشی از پایتخت» به اشغال خود درآورده است. گرچه ملل متحد از «قرارداد اسلو» به بعد هر دو منطقه را (به انضمام بلندی‌های جولان) اراضی اشغال‌شده تلقی می‌کند و خواهان خروج اسرائیل از آنهاست، اما اسرائیل وقعی به آن نمی‌نهد.

«مک گولدبریک»، هماهنگ‌کننده حقوق بشر ملل متحد، تخریب‌های اخیر را خلاف قوانین موجود بین‌المللی می‌داند. او در عین حال معتقد است که «اهمیت این واقعه از آنجا بیشتر می‌شود که خانه‌ها و سازه‌های بسیاری اکنون در انتظار سرنوشت مشابهی به سر می‌برند».

سیاست شهرک‌سازی اسرائیل تشکیل شده است از بیرون‌راندن شهروندان فلسطینی از محل سکونت‌شان و آواره‌ساختن آنها تخریب اجباری سریع منازل آنها تصاحب عدوانی املاک فلسطینی‌ها که علی‌الاصول هم از نظر قوانین موجود بین‌المللی غیرقانونی است و هم خلاف «کنوانسیون ژنیو» می‌باشد و عملاً جنایت علیه بشریت محسوب شده و اسرائیل ۷۰ سال است که مرتکب چنین جنایاتی شده است.

دولت اسرائیل از دادن اجازه ورود به «مایکل لونک»، نماینده ملل متحد که جهت بررسی وضعیت حقوق بشر در مناطق مسکونی فلسطینی‌ها قصد سفر به اسرائیل را داشت، خودداری کرد. او از اعضای ملل متحد خواست تا با انجام اقدامات لازم از تخریب و اشغال مناطق مسکونی فلسطینی‌ها در کرانه‌های باختری رود اردن جلوگیری کنند. حتی بعضی از اعضای ملل متحد برای مقابله با اعمال غیر قانونی اسرائیل پیشنهاد تحدید روابط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با این کشور را مطرح کردند. اما به علت پشتیبانی بی قید و شرط آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپائی این پیشنهادات مسکوت ماندند و اسرائیل نیز هر روز جری‌تر از روز قبل می‌شود.

«جامعه جهانی» که به راحتی آبخوردن کشورهای مستقل را، که زیر بار زورگویی آنها نمی‌روند و از استقلال و تمامیت ارضی خود دفاع می‌کنند، نظیر کوبا، کوریای شمالی، ونزوئلا، سوریه، ایران و ... از جمله به علت عدم رعایت «حقوق بشر» مورد تحریم‌های عدیده و طولانی‌مدت قرار می‌دهند و روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را با آنها محدود و یا حتی قطع می‌کنند، در مقابل رژیم تجاوزگر و اشغالگر اسرائیل سکوت کرده و یا حتی از آن پشتیبانی می‌کنند؛ این در حالیست که اسرائیل حقوق بشر و قوانین بین‌المللی را یکی پس از دیگری لگدمال می‌کند، دارای حداقل ۲۰۰ کلاهک هسته‌ای است و در مخالفت با قطعنامه‌های ملل متحد نه تنها مناطق اشغالی ۱۹۶۷ را کماکان تحت تسلط خود دارد، بلکه به طور متداوم در حال شهرک‌سازی و گسترش آن است.

«قرارداد اسلو»

دولت اسرائیل همانند آمریکا که قوانین جاری بین‌المللی را یا زیر پا می‌گذارد و یا فسخ می‌کند و تا به امروز به هیچ‌کدام از قطعنامه‌های ملل متحد پایبند نیست، «پیمان اسلو» را که میان «بایس عرفات» و «اسحاق رابین» بسته شد، گویا «بهرسمیت» می‌شناسد. چرا؟ زیرا محتوای «قرارداد اسلو» ۱ و ۲ عملاً دست و پای فلسطینی‌ها را با ریسمان بسته است. گرچه پیمان مذکور از «حکومت خودگردان فلسطین» نام برده است، ولی در عمل هر روز از حیطة نفوذ و قدرت این به اصطلاح حکومت خودگردان کاسته می‌شود. «پیمان اسلو» در اساس کوششی بود در جهت تعیین چهارچوب معین که «به حل و فصل کامل منازعه اسرائیل منتهی شود».

در «پیمان اسلو» از «حکومت خودگردان فلسطین» تنها به عنوان یک نهاد اداری موقت نام برده شده است. مسائلی همچون «اورشلیم»، «آوارگان فلسطین»، «شهرک‌سازی‌های اسرائیل»، «تعیین مرزها» می‌بایست در توافق دائمی حل و فصل می‌شد که هنوز بعد از ۲۵ سال نه تنها حل نشده است، بلکه تنها به نفع دولت اسرائیل در راه سرکوب فلسطینی‌ها و سلطه بر سرزمین آنها تمام شده است. «پیمان اسلو ۲» با نام رسمی «موافقتنامه موقت در مورد کرانه باختری اردن و نوار غزه» یکی از پیچیده‌ترین موافقت‌نامه‌ها میان فلسطین و اسرائیل به‌شمار می‌آید. در این پیمان تأسیس حکومت خودگردان فلسطین با اختیارات محدود اعلام شد. در این پیمان مناطق کرانه باختری رود اردن و نوار غزه به سه بخش (الف)، (ب)، (ث) تقسیم شده است و قرار بر این شد که حکومت خودگردان در سطح بسیار ناچیزی قدرت اجرائی بخش (الف) و بخشی از (ب) را در دست داشته باشد و بخش دیگر (ب) و (ث) را اسرائیل اداره کند. توافق پایانی و حل مسائل مورد مناقشه به آینده موکول شد که هنوز لاینحل مانده است. «پیمان اسلو» به عوض آن که صلح پایدار را به همراه بیاورد، در دست اسرائیل به ابزاری تبدیل شد برای ادامه اشغال فلسطین. به چند دلیل:

۱ - موقت‌بودن این قرارداد که بعد از ۲۵ سال هنوز هم موقت است و معضلات مهمی نظیر شهرک‌سازی، مرزها، پناهندگان و بیت‌المقدس نه تنها لاینحل مانده، بلکه به نفع اشغالگران اسرائیلی تمام شده است.

- ۲ - نه تنها شهرک‌سازی‌ها متوقف نشده‌اند، بلکه گسترش روزافزون داشته‌اند.
- ۳ - امروز کنترل کامل امنیت خارجی مناطق (الف)، (ب)، در دست اسرائیل است و تنها بخش محدودی از اختیارات اقتصادی و اجتماعی در دست دولت خودگردان است. در واقع امروز مرزهای هر سه بخش تحت کنترل اسرائیل قرار دارند.
- ۴ - مسائل پناهندگان لاینحل مانده‌اند.
- ۵ - اسرائیل ورود کالا را به مناطق فلسطینی کنترل کرده و تعرفه‌های گمرکی دلخواه از آنها دریافت می‌کند.
- ۶ - ایجاد صدها پاسگاه بازرسی و در عمل بی‌اختیار کردن پولیس حکومت خودگردان فلسطین.
- ۷ - از آنجا که منطقه (ث)، که در اختیار اسرائیل است و ۶۰ درصد از خاک سرزمین فلسطین را دربرمی‌گیرد، دارای منابع آبی غنی است و فلسطینی‌ها اجازه حفر چاه را در آنجا ندارند، عملاً مناطق خودمختار با کمبود شدید آب مواجه گشته‌اند.
- ۸ - کنترل عبور مردم و تردد کالا از نوار غزه به کرانه باختری، مردم غزه را شدیداً با کاهش کالا و آذوقه مواجه ساخته است.
- ۹ - دیوار امنیتی فقط به این دلیل کشیده شده است که هیچ توافق مرزی در پیمان اسلو به وجود نیامده است.
- ۱۰ - طبق «پیمان اسلو» کرانه باختری و نوار غزه یک حکومت واحد هستند، اما اکنون غزه در محاصره و انزوای کامل است و اسرائیل حتی فرودگاه و بندر آنجا را نیز تخریب کرده است.
- امروز بعد از گذشت ۲۵ سال حکومت اسرائیل کلیه شریان‌های زندگی مردم فلسطین را در دست خود گرفته و حکومت خودمختار تماشگر صحنه است. قرار بر این بود که «پیمان اسلو» به «راه حل دو کشور» بینجامد، اما عملاً به محدود کردن هرچه بیشتر سرزمین فلسطینی‌ها و کاهش قدرت خرید مردم و کمبودها انجامیده است.
- به جرأت می‌توان گفت که «پیمان اسلو» کلاه‌گشادی بود که به همت «یاسر عرفات» بر سر فلسطینی‌ها گذاشته شد و به همین دلیل اسرائیل با آن سر توافق دارد. «محمود عباس» نیز که مدت‌هاست از نظر قانونی دوران ریاستش بر حکومت خودگردان به اتمام رسیده است، کماکان از سوی اسرائیل به رسمیت شناخته می‌شود، زیرا بیم آن دارد که در انتخابات بعدی حماس پیروز آن باشد. روی‌آوری مردم فلسطین به سوی حماس و قدرت گرفتن این سازمان مقاومت اسلامی از آن جهت بود که به درستی با "پیمان اسلو" که ناقض حقوق ملی مردم فلسطین است به مبارزه برخاست و هرگز آن را به رسمیت نشناخت. امروز روشن است که مردم فلسطین به‌طور عمده از مبارزه ملی سازمان حماس به ضد صهیونیسم و فلسطینی‌های خودفروخته حمایت می‌کنند. "غرب دموکرات" حاضر نشد به نتایج انتخابات دموکراتیک در فلسطین که برنده آن سازمان حماس بود گردن بنهد و ریاکاری خویش را در حمایت آشکار از جنایات ضد بشری صهیونیسم نشان داد.
- دولت اسرائیل حتی از پرداخت ۱۱۸ میلیون یورو که از صندوق مالیات و گمرک «قانوناً» به حکومت خودگردان تعلق می‌گیرد، سر باز می‌زند. با این استدلال سخیف که «حکومت خودگردان معادل همین مبلغ را به خانواده‌های تروریست‌ها، به افرادی که از زندان اسرائیل آزاد شده‌اند و یا به خانواده‌های فلسطینی‌هائی که در عملیات انتحاری جان خود را از دست داده‌اند، پرداخت کرده است»؟!
- امروز رؤیای دولت مستقل فلسطین نه تنها قابل حصول نیست، بلکه دولت خودگردان فلسطین نیز به همه چیز شبیه است، به غیر از «دولت». از سال ۱۹۹۴ که در مسجد ابراهیم ۲۹ مسلمان به دست یهودیان راست‌گرای افراطی اسرائیلی کشته شدند و سپس هم آنها «اسحاق رابین» را در سال ۱۹۹۵ ترور کردند، دیگر مذاکره‌ای به نتیجه نرسید تا

این که انتفاضه دوم آغاز گشت که طی ۵ سال قریب به ۳۲۰۰ فلسطینی و ۱۰۰۰ سرباز اسرائیلی کشته شدند. از آن زمان تاکنون اسرائیل بارها به غزه حمله کرده و هزاران نفر را کشته، زخمی و یا بی‌خانمان ساخته است. از سال ۲۰۰۵، که حماس در غزه پیروز انتخابات شد، اسرائیل کل این منطقه را در محاصره اقتصادی قرار داده و امروز ۲ میلیون فلسطینی در فقر و فلاکت، بیکاری، بی‌دورنمائی، بی‌آبی و وضع اسفناک بهداشتی به سر می‌برند. دو و نیم میلیون فلسطینی نیز در ساحل غربی اورشلیم شرقی زندگی می‌کنند که هر روز محیط زندگی را بر آنها سخت‌تر و تنگ‌تر می‌کنند، زیرا که هر روز بر تعداد یهودیانی که از سراسر جهان به آنجا کوچ می‌کنند، افزوده می‌گردد و به همین نسبت شهرک‌ها گسترش یافته‌اند. طبق آمار ۷۰۰ هزار مهاجر یهودی که به اسرائیل آمده‌اند، مناطق غربی و شرقی بیت‌المقدس را اشغال کرده‌اند. این رقم حدود سه برابر زمان امضای «پیمان اسلو» در سال ۱۹۹۳ است. از سوی دیگر منش، رفتار و کردار جنایتکارانه اسرائیل پیوسته از جانب ایالات متحده به دیده تأیید نگریسته شده و تقریباً همه قطعنامه‌هایی را که در مذمت اسرائیل در ملل متحد پیشنهاد شده، وتو کرده است. هر اندازه که احزاب و نیروهای دست‌راستی و افراطی از «پیمان اسلو» به بعد قدرت گرفته‌اند، به همان اندازه «جامعه جهانی» (بخوان اروپا و آمریکا) بیشتر بر جنایات آنها به دیده اغماض نگریسته و به سکوت برگزار کرده است. رژیم صهیونیستی اسرائیل با پشتیبانی ترمپ و دامادش، «جرد کوشنر» هر روز بیشتر از روز پیش امکان تشکیل دولت واقعی فلسطین را از میان می‌برند. «ترمپ» با بی‌شرمی تمام از یکسو اورشلیم را به عنوان پایتخت اسرائیل و بلندی‌های جولان بخشی از خاک سوریه را به عنوان قلمرو اسرائیل به رسمیت می‌شناسد و از سوی دیگر ریاکارانه از «معامله قرن» سخن می‌گوید، که معنای دیگری جز فلسطین بدون بیت‌المقدس و از دست رفتن بلندی‌های جولان برای سوریه و ادامه حیات دولت اخته‌شده حکومت خودگردان فلسطین ندارد.

بنابر آنچه که گذشت می‌توان به جرأت گفت که اسرائیل یکی از عوامل مهم تشنج در منطقه به‌شمار می‌آید. رویدادهای اسرائیل و کارنامه ننگین صهیونیسم در منطقه نشان می‌دهد که مبارزه با جنایات ضد بشری صهیونیسم در خاورمیانه از جمله ملاکهای روشنی میان نیروهای ضدبشر و آدمخوار و بشریت مترقی است. هر جنبش بشردوستانه و دموکراتیکی که در کنار مردم فلسطین نباشد عامل بیگانه و ضد بشر است و این به تن بسیاری ایرانی‌های خود فروخته براندازه است. شعار اسرائیلی نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران (بخوانید اسرائیل) شعار ایرانی‌هایی است که بونی از حقوق بشر نبرده‌اند و در بزم صهیونیسم می‌رقصند. باید صهیونیسم را در منطقه نابود ساخت.

بر گرفته از توفان شماره ۲۳۵ مهر ماه [میزان] ۱۳۹۸ - سپتامبر سال ۲۰۱۹

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)

www.toufan.org